عیسی کلانتری در گفت‌وگو با «شرق»:

با سر گریه نمی‌توان بازی کرد

سامان موحدی‌راد: عیسی کلانتری، دبیر ستاد و مجری طرح احیای دریاچه ارومیه در دولت حسن روحانی بود. بسیاری او را طراح طرح احیای دریاچه ارومیه می‌دانند؛ کسی که با حسن روحانی در مرکز تحقیقات استراتژیک تشخیص مصلحت نظام موضوع دریاچه ارومیه و خطرانش را پیش برد و احیای دریاچه ارومیه را به مهم‌ترین شعار تبلیغاتی و بعدها برنامه اجرائی دولت حسن روحانی تبدیل کرد. در این گفت‌وگو تلاش کرده‌ایم نگاهی کلان‌تر به مسئله محیط زیست در ایران بیندازیم. تنها معضل دریاچه ارومیه را بررسی نکرده‌ایم و سعی کرده‌ایم نگاه محیط‌زیستی مدیران جمهوری اسلامی ایران را از ابتدای انقلاب تاکنون بررسی کنیم. کلانتری که خودش در همه این سال‌ها از مدیران رده‌بالای ایران بوده معتقد است نگاه به محیط زیست در ایران فاتزتی است و مسئله توسعه پایدار هم چیزی است که مدیران و مسئولان ایرانی به آن باور قلبی ندارند؛ ازاین‌رو وضعیت محیط زیست ایران در آستانه قرن جدید بحرانی است.

◆ نگاه کلی به مسئله محیط زیست و مدیریت کشور بعد از انقلاب از ابتدای شکل‌گیری چگونه بوده؟ چه چیزی موجب شد که ما در حال حاضر به اینجایی برسیم که بحران‌های محیط‌زیستی از مسائل اصلی و مهم کشور است؟

از ۱۶۶۰ میلادی به بعد نگاه دنیا بـه مقوله محیط زیست تغییر کرد و همه به سمت «محیط زیست پایدار» رفتند. مفهومی که در پی «توسعه پایدار» در جهان شکل گرفت. در توسعه پایدار هم چهار بند مهم لحاظ شده است. نخست اینکه توسعه حتما باید توجیه اقتصادی داشته باشد. دیگر اینکه توسعه پایدار نباید در تضاد با محیط زیست باشد؛ یعنی اقدامات در مسیر توسعه نباید منجر به تخریب محیط زیست شود. سومین رکن توسعه پایدار این است که نظم اجتماعی جوامع به هم نخورد. بعدها یک اصل چهارم هم به این مسئله اضافه شد و آن اینکه حقوق نسل‌های بعدی باید محترم شمرده شود. حالا این نگاه را با نگاه توسعه‌ای بعد از انقلاب تطبیق دهیم. در دهه اول انقلاب اصلا برای ما موضوع حفظ محیط زیست در مسائل توسعه‌ای مهم نبود. برای نمونه بیشترین میزان مبارزه با سن کندم پیش از انقلاب ۵۶ هزار هکتار بود. بعد از انقلاب و در طرح‌های افزایش تولید کندم ما حجم زیادی کندم کاشتیم که بخشی را نتوانستیم برداشت کنیم. سن کندم در دمای منفی ۲۰ درجه از بین می‌رود چون در زمستان غذایی ندارد بخورد و نمی‌تواند افزایش چربی بدهد. در آن سال‌ها به دلیل اینکه ما کندم زیادی کاشته بودیم و برداشت نکردیم، سن در زمستان هم غذا داشت و با افزایش چربی زنده ماند. این مسئله ازبین‌نرفتن سن‌ها و زنده‌ماندن‌شان موجب شد ظرف شش سال سطح مبارزه با سن ما از ۵۶ هزار هکتار به دومیلیون و ۱۰۰ هزار هکتار رسید؛ یعنی در واقع نزدیک به ۳۵ تا ۴۰ برابر شد! برای اینکه ما اصلا به پایداری توسعه فکر نمی‌کردیم. موضوع محیط زیست را خیلی ما مسئله‌ای فاتزی قلمداد می‌کردند.

◆ وضعیت در دهه ۷۰ چطور بود؟

در دهـه ۷۰ من وزیر کشـاورزی بـودم و مسـئول برنامه‌ریزی آب و کشـاورزی برنامه سـوم. در آن زمان و به دلیل تخریب‌های ۱۰،۱۵ سـاله بعـد از انقلاب، ما یک کلمه «پایدار» هم به برنامه اضافه کردیم و گفتیم توسـعه از برنامه سوم باید پایدار باشـد. بعد از آن توسعه پایدار را هم در برنامه تعریف کنیم. نمی‌دانید همین یک کلمه در مجلس چه به الهمشـکلی به پا کرد. به ما گفتند غـیرزنده و گفتند که ما نمی‌خواهیم کشور توسـعه پیدا کند. مثل همین رفتار چند سال قبل و بعد از ماجرای کاپ فرانسه هم اتفاق افتاد.

◆ یعنی آن زمان هم همین حرف‌ها را می‌زدنـد و الان هم همین را می‌گویند؟

بله. الان هم همین دسـت حرف‌هـا را می‌زنند. می‌خواهم بگویم که جامعه سـیاست‌مدارانه ما در سـطح کلان به بلوغ فکری از بعد توسعه پایدار نرسـیده است. درست اسـت که در قانون اساسی ما سال ۵۴ یا ۵۶ به بعد اصل ۵۰ را داریم ولی کسـی به آن پایبند نیست؛ چون همیشه در این اهداف کوتاه‌مدت و ابعاد میان‌مدت مبارزه داشـته است. درباره اهداف بلندمدت که اصلا حرفی نداریم. لذا توجیه محیط زیسـت و منابع طبیعـی ما به افکار سـیاست‌گذاران و تصمیم‌گیران برمی‌گردد. البته در کنارش مسائل سیاسی، مسائل بین‌المللی و فشارهایی که می‌آید و محدودیت‌هایی که ایجاد می‌شـود و تصویب یک سری قوانین غلط هم مؤثر است.

◆ مهم‌ترین چیزی که در این سال‌ها متأثر از تصمیمات در آن دهه بود و اثر تخریبی روی محیط زیست دارد، چیست؟

سال ۱۳۶۱ در ایران قانون توسیع عادلانه آب در مجلس شـورای اسـلامی تصویب شـد. من در آن زمان رئیس سـازمان ترویج کشـاورزی بودم. در آن زمان افکار سلامتی روی دریاچه ارومیه و کاوی غفوری‌فرد هم وزیر نیرو. هیچ‌کدامشـان هم تخصصی در زمینه آب نداشتند. غفوری‌فرد در زمینه انرژی متخصص بود و سـلامتی هم اقتصـاد خوانده بود. آنها قانون توزیع عادلانه آب را در دولـت تصویب کردند و به مجلس بردند. چیزی که ما بعد متوجه شـدیم، این بود که در قانون توزیع عادلانه آب، منصدی مستقر هم هسـت؛ یعنی کسـی کـه آب را تخصیص می‌دهد و وظیفه تولی‌گری دارد. مجری توزیع آب نیز هسـت. آن کسـی که آب را تخصیص می‌دهد، وظیفه سیاسـت‌گذاری دارد؛ باید از آب‌های کشـور از منابع آب زیرزمینی و آب‌های جاری و همه آنها پاسـداری کند و با این قانون سـعی کند که آب‌های مختلف تخصیص دهد. این وظیفه به وزارت نیرو واگذار شـد. همزمان وظیفه توزیع آب هم بـه این وزارتخانه واگذار شـد. در واگذاری شما آب را پول درمی‌آوردید و هزینه‌های‌تان را از درآمد فروش آب تأمین می‌کردید. طبیعتا اینجا تعارض منافع پیش می‌آید. این ایراد از اشـکال را مسـال ۶۱ قهمدیم ولی قانون تصویب واجرا شـد و کاری نمی‌شـود کرد. در زمان بررسی و تصویب هم هیچ نظری را از نخواسـته بودند و بعد از تصویب قهمیدیم. اصیت قانون در سال ۱۳۶۱ صورت شـد و به وضعیت فعلی رسـید و این چالش‌های آبی در کشور ما دیداشـته باشیم. در واقع ما سال ۱۳۶۱ همه اختیارات درباره آب کشور را به یک نفر واگذار کردیم. آن یک نفر هم نیروی کشور اسـت. وزیر نیرو هم برای تخصیص آب که از همین سیاسـت‌گذاری آب است و هم مورد توزیع و تقسـیم و هم نوع تقسـیم و درآمد و هزینه و مسائل اقتصادی آن هم تصمیم می‌گیرد. همین قانون در سـال ۱۳۶۱ محیط زیسـت ایران را نابود کرد. وزارت نیرو اگر پول لازم داشـته باشـد دشت ممنوعه را مجاز اعلام می‌کند. مجوز چاه غیرمجاز صادر می‌کند. سـد می‌سـازد و آبش را می‌فروشد. الان هم که همه سدها را ساخته‌اند و دیگر سدی نمانده، برای اینکه پیمانکاران‌شان برای بیکار نباشند یک کلمه به اسم آبرفت ساخته‌اند. حـالا دیگر مافیای آب وارد این بخش شـده‌اند و شـبره جات آب ایران را خـرید. این شـد بلایی که در این سال‌ها بر سـر بخش منابع آبی در محیط زیسـت آوردیم. محیط زیسـت هم همین‌اسـت دیگر؛ شـما اگر در محیط زیسـت طبیعی آبی نداشته باشـید، منابع زنتیک‌تان را نمی‌توانید حفظ کنید. منابع گیاهی‌تان حفظ نمی‌شود و منابع جانوری‌تان نیز حفظ نخواهد شد. وقتی آبی نباشد، غذایی برای گیاه‌خوار وجود ندارد. وقتی ما گیاه‌خواری نداشته باشـیم، گوشت‌خوارمان بی‌غذا خواهد ماند. یک بُعد آن هم نشسـت و فرونشسـت و گردوغبار و شورشدن آب‌ها و خشک‌شدن آب‌هاست.

◆ با این توصیفات الان وضعیت منابع آبی ما چگونه است؟

وزارت نیـرو سال‌هاسـت آماری منتشـر نمی‌کند. تا زمانـی که آقای چیت‌چیان در وزارتخانه بود آمارها شـفاف منتشـر می‌شـد، اما بعد از چیت‌چیان آمارها سری شده اسـت. طبق همان آمارهایی که آخرین بار سـال ۱۳۹۵ وزارت نیروی آقای چیت‌چیان منتشـر کردند؛ ما حدود ۵۰۰ میلیارد مترمکعب آب فسـیلی داشتیم. آبی که حاصل صدها هزار سال کار طبیعت در فلات ایـران بود. در آن زمان برآورد کرده بودند که حدود ۶۰ درصد این آب‌ها شـور و لب‌شـور اسـت. با این توصیف حدود ۲۰۰ میلیارد مترمکعب آب شیرین فسیلی داشتیم. الان دیگر همه چیز را تمام کرده‌ایم؛ یعنی آن آب‌های فسیلی ۱۰۰هزارساله را تمام کردیم.

همچنان با استناد به آمار وزارت نیروی آقای چیت‌چیان در سال ۱۳۹۵ تزریـق طبیعی آب‌های زیرزمینی ما سـالانه زیر ۲۰ میلیـارد مترمکعب اسـت. این در حالی اسـت که برداشـت ما ۵۱ میلیارد مترمکعب اسـت و ایـن روند هنوز ادامه دارد. خب در این شـرایط چـه اتفاقاتی می‌افتد؟ نمک‌های عمق پایین مثلا ۱۰۰، ۲۰۰ و ۳۰۰ متر توسـط آب به سطح زمین منتقل می‌شـود. در نتیجه آب‌های زیرزمینی شما تمام می‌شود یا در حال تمام‌شـدن اسـت یا در حال شورترشدن و خشک‌شـدن. املاح به سطح زمین می‌آید.

◆ این نگاه توسعه و تخریب تنها در بخش آب و مدیریت منابع آبی بوده یا در سایر حوزه‌ها هم دیده می‌شد؟

یادم هسـت سـال ۱۳۶۱ آقای مهندس موسـوی نخسـت‌وزیر بودند. ایشـان به من دستور دادند تا به برنامه‌ریزی برنامه اول توسعه جمهوری اسـلامی که نیمه‌تمام مانده بود نظارت کنم. من در دانشـکده کشـاورزی دانشـگاه تهران در کرج مستقر بودم. اردیبهشـت‌ماه همان سال دستور داده بودند که باید در گوشـت خودکفا شـویم. در گوشت خودکفا شویم یعنی افزایش تعداد دام‌ها و اضافه‌شـدن گوسـفندها به مراتع کشـور. ما در آن سال ۶۵ میلیون واحد دامی داشـتیم. بین کارشـناسان سازمان جنگل‌ها و مرتع و سازمان دامپروری اختلاف‌ها و دعواهایی شکل گرفت. کارشناسان سازمان جنگل‌ها و مراتع گفتند مراتع ایران توان تحمل این تعداد دام را ندارد. خرف‌شـان هم منطقی بود؛ چون افزایش دام کاری نداشـت. گوسفند سـالی دو بار زایمان می‌کند و هزار به هزار ۳۰ درصد دوقلو می‌زاید. مثل افزایش جمعیت انسان اسـت. تازه اگر مشکلات افزایش جمعیت انسانی را هم ندارد. اما دعوای اصلی بر سر این بود که مراتع کشـور توان پذیرش چنین جمعیت دامی را ندارد و سبب فرسایش

عکس: علی کوکرن، شرق

من به رهبری هم در این زمینه نامه نوشتم. بعد از آنکه دیدم نامه به آقای خاتمی جواب نداد در سـال ۱۳۸۹ مجبور شدم نامه کلایه‌آمیزی به مقام معظم رهبری بنویسم. در آن نامه نوشتم که به عنوان یک آذری دلم برای دریاچه ارومیه می‌سوزد. اگر دریاچه از بین بروند تنها من مهم نیستم بلکه کشور با یک مهاجرت عظیم مواجه می‌شـود. کل جمعیت مهاجران در دوران جنگ ۹۰۰ هزار نفـر بودند. اما همین مهاجران اجباری ۹۰۰ هزار نفری زنان فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی شهرهای ما را به هم زده بود. حال شما تصور کنید با خشک‌شدن دریاچه ارومیه چه جمعیت عظیم به مهاجرت می‌شـوند. فقط تبریز دو میلیون نفر جمعیت دارد. از فشار تبریز بیشتر از همه در تبریز اسلام دریاچه قرار دارد

می‌شود. فرسایش سیل می‌آورد. فرسایش پوشش خاک را از بین می‌برد. یعنی شـما به هر جای این تصمیم‌گیری‌ها نگاه می‌کنیـد می‌بینید که محیط زیست را بلاو نرد نداشـته‌اند و بدون باور به آن تصمیم گرفته‌اند. چون در همین زمینه هم به یکباره از ۵۶ میلیون واحد دامی رسـیدیم به ۱۲۰ میلیون واحد دامی. شـما حسـاب کنید که آب‌های تجدیدپذیر ما از ۱۳۵ میلیارد مترمکعب در سـال به ۹۰ میلیارد مترمکعب در سـال رسـیده و در مقابل ما هم از ۵۶ میلیون واحد به یکی از ۱۲۰ میلیون واحد رسـیده است. همین چهار عدد تکلیف بسیاری از مسائل را مشخص می‌کند. از آن طرف شـخص‌زدن مراتع و افزایش سـطح زیر کشت کندم آبی. تکلیف خشک خواهد شد چون ما با ساخت سـدها، پمپاژها و خیلی چیزهای دیگر به دریاچه را بردیم. چون توانسـتیم اشـتغال ایجاد کنیم. سـراغ سـادترین کار را گرفتیم و با توسعه کشاورزی اشتغال ایجاد کردیم که آب زیادی را می‌خورد. در همه این سـال‌ها سازمان حفاظت محیط زیست باید مدعی دریاچه ارومیه می‌شـد. چون مهندسان محیط‌زیست و دریاچه‌های کشور با این سازمان اسـت. اما این سازمان هیچ‌وقت یک کلمه حرف در آن سـال‌ها نزد. وزارت نیرو هم وقتی می‌بیند مدعی دریاچه ساکت است و حرفـی نمی‌زند، آب دریاچه را می‌فروشـد. من سـال ۸۱ هم یک نامه به آقای خاتمی نوشـتم و درباره وضعیت دریاچه ارومیه هشـدار دادم. ایشـان نامه را به سـازمان حفاظت محیط‌زیست ارجاع داد و آنها هم گفتند دریاچه هیچ مشـکلی ندارد و بر از آب اسـت. زمانی که صاحب دریاچه می‌گوید من مشـکلی ندارم، آقای خاتمی می‌گوید به توجه؟ چه کاره‌ای؟ مسئولش می‌گوید مشکلی نیست.

◆ پس در همه این سال‌ها می‌دانستید که دریاچه در حال خشک‌شدن است و کاری نکردید تا خشک شد؟

از همان دهه ۷۰ پیش‌بینی می‌شد که دریاچه با این وضعیت برداشت توسعه پایدار را در باورهایمان تلفیق نکنیم و بفهمیم و بدانیم که توسعه پایدار حافظ منافع درازمدت مردم این سـرزمین اسـت. من زمانی حدود ۱۷، ۱۸ سـال پیش گفتم که ادامه این روند یعنی تخلیه کشـور از جنوب البرز تا دریای جنوب. از شـرق زاگرس تا مرزهای شرقی؛ خب آن وقت خیلی ایراد گرفتند و من خیلی زیر فشـار بـودم. اما کاملا معتقدند که ما عسـلا مملکت را بدون اینکـه از مرزهایمان عقب‌نشـینی کنیم، کوچک کردیم. مملکت ما کوچک شـده اسـت. خیلی از جاهای اسـتراتژیک ما الان از جمعیت تخلیه شـده اسـت به دلیل ازبین‌بردن منابع طبیعی یا منابع اصلی آب. اصل اول و آخر اسـکان و توسـعه «آب» اسـت و بعد «سیاسـت». این بخش محیط طبیعی ما بوده که این فشارها را نتوانسته تحمل کنـد. این فقط در ایران نیسـت، بلکه در دنیا هـم این موضوعی مهم و قابل توجه اسـت. مثلا الان می‌گویند هر انسان به اندازه سه برابر انسـان صد سال پیش مصرف می‌کند. صد سال پیش دنیا دو میلیارد هم جمعیت نداشـت. الان هشـت میلیارد جمعیت داریم کـه به اندازه ۲۴ میلیارد انسان صد سال پیش مصرف می‌کند. کره زمین دیگر تحمل ندارد و کشورهای مارجینالی مثل ما اصلا تحملش را ندارند. این فشارها از بُعد طبیعی به محیط زیست طبیعی کشور وارد شد. از آن طرف هم جمعیت ۳۳ میلیونـی اول انقـلاب الان به نزدیک ۸۸ میلیون نفر رسـیده؛ یعنی در واقع ۲.۸ برابر شـده اسـت. از نظر فرهنگی هم مصرف سرانه ما بالا رفته است. به‌رغم کاهش درآمدهای سـرانه، مصرف سرانه ما به دلایل مختلف (دلایل اجتماعی و سیاسی) بالا رفته است؛ خب اتفاقات سیاسی کنار دست اینها که از اول انقلاب رخ داده؛ دشمنی‌ها در جهان و مسائلی دیگر. یعنی یکی از افتخارات ما این اسـت که ما با همه کشورهای پیشرفته مسـئله داریم. این سیاسـت الان هم رایج اسـت. در کنارش فشـارهای حاصل از این سیاسـت‌ها. تولیدهای غیراقتصادی و اقتصاد بدون توجه به منافع ملی کشور. از طرف دیگر به علت تحریم‌ها و جلوگیری از تحریم‌ها، ما امروز داریم تکنولوژی‌های ۷۰ سـال پیش را اسـتفاده می‌کنیم! فرض کنیم کمباین‌سازی اراک ما امروز کمباینی تولید می‌کند که مدل سال ۱۹۶۴ اسـت. همه اینها جمع می‌شود و اقتصاد این مملکت را تشکیل می‌دهد.

مـا امروز ناچار هسـتیم تولیـدات داخلی خودمـان را اصلا نبـتانم تبدیل کنیم. یک سـال در نوبت باشیم و بعد وجوه چیمنمان بگذاریم. الان اینها محصولاتی هسـتند که دنیا بیرون نیسـت. ۱۲۰ تریلر بنز مصرف نبزین هسـت؛ یعنی روزانه برای ایرانی تقریبا یک‌ لیتر بنزین مصرف می‌کند! چون جای دیا نیچین نیسـت. به خاطر سیاسـت‌های بین‌المللی‌مان و به خاطر تحریم‌ها، ناچار هسـتیم از تکنولوژی‌های موجودمان اسـتفاده کنیم. خب! این اقدامات چه محیط‌زیسـتی برای شـما باقی می‌گذارد؟ این می‌شـود که ما آلودگی زن را در سـطح بین در هـوای ۳۰ درجه بالای صفر در تابسـتان داشـته باشـیم! از آن طرف، مصرف طوری شـده که ما الان به ازای هـر چهار نفر یک خودرو داریم. این توان در محیط زیسـت شـهری ما در کشور نیسـت که بتواند پاسـخگوی اینها باشد. از یک طرف سیاسـت‌مداران باور نداشـتند و از یک طرف خودرانیدنی در برنامه‌ریزی هماهنگی نداشـتیم. اگر فکر می‌کردیم اصفهانی که در ۱۳۴۵ چراگه خاک مناسـب دارد، خاک با عمق تسـبتا مناسب و بارندگی بالای ۳۰۰ میلی‌متر موجب شـده این منطقه برای کشـاورزی بسـیار مستعد باشـد. در زمان شـاه پیش‌بینی شـده بود که با توجه به این اسـتعداد، توسـعه کشـاورزی در منطقه اتفاق بیفتد. اما با آبی که از روخدانه رأسا برمی‌گرداندیم؛ یعنی حدود ۷۰۰ میلیون لیتر در سـال. به این ترتیب قرار بود از حاشیه دریاچه کم نشود.

◆ یعنی برنامه توش زاب برای آن سال‌هاست؟

بله. برنامه توش زاب طرحش باز هم از دولت اعتبارات را به یک نفر می‌دهد. برای توسـعه کشـاورزی منطقه به کارگرفته شـود. ولی به انقلاب خورد و انجام شد.

◆ بعد از انقلاب هم تغییر الگوی کشت داشتیم؟

بله. به علت سیاسـت‌های ناپایدار و نسـجیده. در کشاورزی منطقه دسـت بردیم. در آن سال‌ها کفتیم یک کشـاورز از راه‌حل‌های اساسی برای ایجاد اشـتغال کشاورزی و اسـتفاده تبدیلی کشـاورزی است. برای همین هرچه صنایع تبدیلی بود. در حوزه دریاچه ارومیه کشـاورزی. در آن سال‌ها اسـکه فراوان بود و زمین هم حاصلخیز و کفتیم کشـاورزی را توسـعه دهیـم. بعد اهمیـم و کفتیم که انگور را که کم‌آب‌بر اسـت، حذف کنیم و به جایش سیب بکاریم.

◆ چرا چنین تصمیمی گرفته شـد؟ چرا یک محصول کم‌آب‌بر حذف شد و تبدیل به آب کشاورزی شد؟

سـیب پربازده بود. مثـلا ۴۰ تن در هکتار محصول می‌داد. به علاوه کارخانه‌های تبدیلی‌اش را هم زده بودیم. برای همین سطح کشت سیب را در منطقـه تبدیلی‌اش دادیم. از طرف دیگر کارخانـه‌هـای چغندر قند را احداث کردیم و به این ترتیب چغندر جای جو را که یک محصول کم‌آب‌بر دیگر بود، گرفت. اینها را هم توسـعه دادیم چون سیاسـت ما یک پادار بود. چون در آن سـال‌ها اسـتاد سـیاست توسـعه پایدار در کشـور مطرح نبود. هنوز هم مطرح نیسـت! هم کشت و اجرای عکس کردیم و هم اینکه سطح زیرکشـت را زیاد کردیـم. ۲۹۰ هزار هکتار زراعت آب‌بر در حوزه دریاچه ارومیه نزدیک به دو برابر شـده است؛ یعنی هم محصولات پرآب‌بر دو و هم اینکه سـدها را زدیم. اگر برای کشاورز اینکور می‌کاشـتند آب‌دهی نداشتند. چون سـدی وجود نداشت و آب اضافه به دریاچه می‌ریخت. وقتی سـدها زده شـد و آب پشـت آن ذخیره شد، کشـورها هم صاحب آب شـدند. کشـاورز هم دیگر نمی‌خواهد کشـت کند؛ چون آب دائمی ۱۰ تا انگور تولید می‌کند و حالا با آب دائمی کشـت سدها می‌تواند از همان زمین ۲۰ تن سـیب تولید کند. پس او هم ترغیب می‌شود به این کار. همه این‌ها با ر سر دریاچه آوردیم. اما چون بکاربرد نبود و طی ۳۵ سال اتفاق افتاد، به چشم بیاری نمی‌آمد.

◆ البته همان مـی‌گویید کارشناسانی بودند که در آن سال‌ها هشدار بدهند و حتی خودتان هـم به رئیس‌جمهور نامه نوشـته بودیـد. اما همچنان بی‌توجهی وجود داشت؟

من به رهبری هم در این زمینه نامه نوشتم. بعد از آنکه دیدم نامه به آقای خاتمی جواب نداد در سـال ۱۳۸۹ مجبور شدم نامه کلایه‌آمیزی به مقام معظم رهبری بنویسم. در آن نامه نوشتم که به عنوان یک آذری دلم برای دریاچه ارومیه می‌سوزد. اگر دریاچه از بین بروند تنها من مهم نیستم بلکه کشور با یک مهاجرت عظیم مواجه می‌شـود. کل جمعیـت مهاجران در دوران جنگ ۹۰۰ هزار نفـر بودند. اما همین مهاجران اجباری ۹۰۰ هزار نفری زنان فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی شهرهای ما را به هم زده بود. حال شما تصور کنید با خشک‌شدن دریاچه ارومیه چه جمعیت عظیم به مهاجرت می‌شـوند. فقط تبریز دو میلیون نفر جمعیت دارد. از فشار تبریز بیشتر از همه در تبریس اسلام دریاچه قرار دارد

همین هم این اسـت من این‌طوری ادامه نمی‌دهم که شب بخوابم و صبح یک پـروژه بگیرم. اگر یک مطالعه جامع انجام نگیرد و یک راهکار تعیین نشـود، من قبول نخواهم کرد. گفت بیا برویم با آقای روحانی صحبت کن. من هم این اسـت من این‌طوری ادامه نمی‌دهم که شب بخوابم و صبح یک پـروژه بگیرم. اگر یک مطالعه جامع انجام نگیرد و یک راهکار تعیین نشـود، من قبول نخواهم کرد. گفت بیا برویم با آقای روحانی صحبت کن. رفتیم پیش آقای روحانی. در یک جلـسه‌ای که بیش از یک سـاعت بود صحبت کردیم؛ گفتم آقای روحانی! در این دولت ما نمی‌توانیم کار نیرو بود. دریاچه کروهی را تعیین می‌کنیم که اینها در یک مدتی مطالعه کامل انجام دهند و طی شـش ماه راه‌های نجات دریاچه را ترسـیم کنند. بعد راهبردهایی کـه آنها می‌گوینـد را ما اجرا کنیم. آقای روحانـی پذیرفت. ما طرف یک ماه بررسـی‌های لازم را با خیلی‌ها انجام دادیم. به این نتیجه رسیدیم که این کار، یک‌ماری مهندسـی مشـارب نیسـت. برای اینکه آبهای دریاچه ابعاد اقتصادی، اجتماعی، فنی و مهندسـی دارد. مهندسین مشاور ما هم اینتر هسـتند. یکی باید آب را مطالعه کند. یکی مسائل اجتماعی را. منتها یک جایی هم باید باید به اینها را جمع‌بندی کند. بررسی که کردیم، به این آنه نامه تشکیل داد و دیگر هیچ جلسه ستاد احیایی تشکیل نداد.

◆ یعنی در کل دولت آقای رئیسـی فقط یک جلسـه ستاد احیا تشکیل شده؟

تا دو هفته پیش همان یک جلسـه بود. دو هفته پیش جلسـه دومش تشکیل شد.

◆ ایرادی که به پروژه‌های سـتاد احیا وارد اسـت، این است که تمرکز عمده‌اش روی کارهای سخت‌افزاری بوده تا نرم‌افزاری.

چاره‌ای نداشـتیم. جز انجام سریع کارهای سـخت‌افزاری؛ چون باید آب را به دریاچه ارومیه بازمی‌گردانیم. اگر می‌خواسـتیم سـخت‌افزار و نرم‌افزار را هم‌سنگ هم ببینیم، نمی‌شـد؛ چون پروژه‌های سخت‌افزاری ما ۳۰ سـال طول می‌کشـید و ممکن بود دراین‌بین دریاچـه از بین برود. بـرای همین باید خیلی سـریع اول با پروژه‌های سـخت‌افزاری آب را به دریاچه می‌رسـاندیم. در اولویت ما در بودجه‌هـای تنظیمی اول اجرای پروژه‌های سـخت‌افزاری‌ها برای شـش سال دیده شـده بود. پروژه‌های نرم‌افزاری هم تا ۱۴۰۸ یا ۱۴۱۰ ادامه پیدا کند؛ اما مدام از سـخت‌افزار کم می‌شد و به نرم‌افزار اضافه می‌شد. مثلا ما سال اول ۹۹ درصد بودجه‌مان سـخت‌افزاری بود. سال دوم ۹۸ درصد، سـال پنجم مثلا ۹۲ درصد بود. امسـال اگر بخواهند انجام دهند، حدود ۴۰ درصدش نرم‌افزاری اسـت. سـال آینده می‌شـود ۸۰ درصد و سال بعدش می‌شـود صد درصد. این است که این تقسیم بودجه بود برای اینکه آب به دریاچه برسد. مثلا قرار بود ۳۰ درصد مصرف آب در بخش کشاورزی را کاهش دهیم. الان حدود ۳۰ درصد کاهش دادیم؛ یعنی ۷۵ درصد پیشـرفت پروژه داشـتیم. اگر الان دریاچه یک تکه‌اش نفس می‌کشد، از همین کاهش آب‌های مصرفی کشاورزی است؛ چون از سـخت‌افزار هنوز آبی به دریاچه نرسیده است. اگر برایـ امسال تونل زاب افتتاح شود، تازه از پروژه‌های سخت‌افزاری آب به دریاچه می‌رسد.

◆ الان وضعیت بودجه سـتاد احیا در دولت رئیسی چگونه اسـت و چه مقدار در یک سال اخیر برای دریاچه هزینه کرده‌اند؟

من اصلا دیگر خبر ندارم. حتی دانشـگاه شـریفی‌ها را به پروژه‌ها راه نمی‌دهند.

◆ آقای دکترا با توجه به وضعیت فعلی دریاچه، پروژه‌ای دریاچه ارومیه در دولت روحانی را موفق می‌دانید یا شکست‌خورده؟

اصلا واقعا شکسـت‌خورده نمی‌دانم؛ یعنی چه... این چیزها را بیشتر خارجی‌ها راه انداختند.

◆ بالاخـره کفتید که بخشـی از عقب‌افتادن کارها بـه دلیل اختلاف با وزارت نیرو بود.

ببینید، برای من جالب اسـت که وزیر نیروی ما با مقامات افغانستان بر سر حقابه هامون مذاکره می‌کند؛ ولی در داخل حقابه تالاب‌های خودمان نه‌ده بلکه حتی در سـطح وزیر، با غافل از یارادایم فکری اجرا هستند یا خود را به غفلت می‌زنند. یارادایم فکری اجرا، موضوع پیچیده‌ای اسـت؛ بازگشـتی اسـت به یک مقوله اجتماعی و مطالعه و مدیریت. آما وزارت نیروی کـه شـرکت‌های تابعه اسـتانی‌اش از فروش آب منتفع هسـتند؛ با وزارت جهاد کشاورزی که اهداف دریاچه ارومیه‌شان سازمانی در اجرای تولید کشاورزی بدون توجه به مصرف آب را رجح بر اهداف فرآسـازمانی می‌دانند، می‌توانند مجریان خوبی برای یارادایم اجرا باشـند؟ واقعیت این اسـت که تا وقتی این تضاد منافع دروز با بین دسـتگاه‌های اجرایی وجود دارد، تصویر دریاچه‌ای با تراژ اکولوژیک، چیزی جز یک تصویر مهم از رؤیایی درسـت‌نباقتنی نخواهد بود. کارگـروه ملی نجات در اولین و بنیادی‌ترین اقـدام باید بتواند روابط میان دسـتگاه‌های اجرایی مسـئول در این اجـرا را تنظیم کرده و بر حسب اجرای اقدامات آنها نظارت کند؛ در غیر این صورت، دستاوردی بهتر از آنچه در این یک سال رخ داده است، در انتظار دریاچه ارومیه نخواهد بود.

درباره آینده برنامه اجرای دریاچه ارومیـه سـه نکته حائز اهمیت دیگر نیز وجود دارد: نخست اینکه تأکید دریاب کشـاورزی منابع نجات بر «معیشت مردم» که در هر دو نقطه کارگروه ملی نجات بر آن تصریح شد. اتفاق مبارک اینکه این بال‌حال، نمود عملیاتی به خود نگرفته و در به عضویت اعضای جدید ازجمله وزیر میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دسـتی که یکی از ارکان اصلی برنامه‌های معیشت جایگزین اسـت نیز منجر شـده اسـت. آرمان محوریت معیشت مردم در برنامه دوم، وزارت نیرو با دریاچه بـازی می‌کند. بعد از آقای چیت‌چیان، وزارت نیرو با دریاچه بازی کرد. حتی در زمـان آقای روحانی. اثرات خشـکی دریاچه را خیلـی جدی نگرفته‌ایم. دریاچه اگر خشـک شود، زمسـتان‌های منطقه فقـط یک روز الوده‌ترین را به اصرار می‌شـود کنند. خارجی‌ها و داخلی‌ها همه بودند. از اسـتراتیا کارشناس داشتیم از آمریکا. اینها نهایتا ۱۵ سـال دیگر در ۲۷ بـند جمع‌بندی کردند که در ۲۷ بند می‌توانند آب را بشـود و دریاچه ایجاد بیت کند. قرار بود تا ایرای این ۲۷ بند دریاچه در سال ۱۴۰۴ احیا شـود. بعدها مشکلاتی پیش آمد که سال ۱۴۰۶ به‌عنوان اقل احیا اتخاب شد.

◆ چه شد که دو سال عقب افتادید؟

یکـی از بندهـای ۲۷گانه این بود که ما باید از کشـاورزان آب بخریم؛ چون در شـروع کار که ما آبی نداشـتیم و دریاچه هم آب می‌خواسـت. برای همین می‌خواستیم از کشاورزان آب بخریم؛ یعنی آب را که کشاورز از رودخانه برداشـت می‌کند، از او بخریم. حدود ۵۰۰ میلیون مترمکعب آب می‌شد.

◆ همان حرف نکاشت؟

بله، طرح نکاشت. چون اگر دریاچه کامل خشک می‌شد، دیگر احیای آن تقریبا غیرممکن بود و لازم بود خیلی سریع در همان سال‌های ابتدایی آسـیب به آن برسانیم؛ بنابراین قرار بود کشـاورزان جیزی نکارند و آبی که برداشـت نکنند و با پول محصـول‌شـان را به آنجا بدهیم؛ اما بعد از تصویب این برنامه نمایندگان مجلس به رئیس‌جمهور حمله کردند و او را تحت فشار قرار دادند. ایشان هم کفت من این بند را از مصوبه جدا دولت حذف می‌کنم. کفتیم آقا این بند حذف بشود که ما دو سال عقب می‌افتیم. کفت نمی‌شـود دیگر؛ وقتی مردم مقاومت می‌کنند تنبیه نکنم. کفتیم پولـش را بدهیم. ۵۰ هـزار هکتار کندم می‌خواهیـد بکارید. از کنـدم چقدر درآمد داریـد؟ از این ۳۰ تن ملاک کندم کیلویی هزار تومان بود. پول همه آن می‌شـد ۲۰۰ میلیارد تومان. شما این ۲۰۰ میلیارد را بکرید و نکارید. ما هم ۲۰۰ هزار تن به واردات کندم اضافه می‌کنیم؛ ولی در مقابل دریاچه حفظ می‌شـود. به‌این‌ترتیب ۱۴۰۴ شد ۱۴۰۶. دیدیم در اینجا کاری از دسـت‌مان برنمی‌آید. رفتیم سـراغ چیت‌چیان. چیت‌چیان وزیر نیروی شـجاعی بود. گفتم آقای روحانی! از دولت روحانی وزیر نیرو بود. دریاچه کاملا خشـک می‌شـد. چیت‌چیان ولی خودش هم سـدساز ما می‌فهمید. اصلا تبریز بود و عاشـق احیا و احترام را کسر کرده بود. چیت‌چیان آب سـدها را بدون ترس بار کرد و به‌این‌ترتیب بخشـی از آن طرح نکاشـت را با رهـاسـازی سدها جبران کردیم.

◆ این اتفاق چه سالی رخ داد؟

سـال آبی ۹۳-۹۴. چیت‌چیان تا سـال آبی ۹۵-۹۶ وزیـر نیرو بود و واقعا خیلی کمک کرد تا کارها پیش بروند؛ ولی این مشـکلات بود. هنوز

سازمان محیط زیسـت از اول هم رها بود. دریاچه داتا مسئله سازمان محیط زیسـت است؛ اما سازمان محیط زیسـت کیفیت ضعیفی دارد. برای همین اگر رئیس کل وزارت فوق سیاسـی نداشـته باشـد. دولت هم حق و حقوقش را نمی‌دهد؛ بنابراین دریاچه قابلیت احیا را دارد، اگر این بازی‌های قدرت دون دولت به نتیجه برسد. وزارت نیرو ملکت خود کشاورز خواهد کرد. اصلا هم در دانشـگاه ما وزارت نیـرو با دریاچـه بـازی می‌کند. بع